

ای مسلمانان آسیای میانه! به حاکمان خویش اجازه ندهید در خدمت منافع آمریکا و دیگر دولت‌های استعمارگر باشند؛ چرا که این امر به سرازیر شدن ثروت‌های شما به چنگ کافران استعمارگر خواهد انجامید، در حالی که ملت‌های آسیای میانه از تنگنا اقتصادی شدیدی در رنج و عذابند!

تنها راه رهایی از چنگال این حاکمان خانک که ثروت‌های شما را برای بقای تخت و تاج و منافع فردی خویش پیشکش مستعمران کافر می‌کنند، روی آوردن به اسلام، تسلیم در برابر آن، اتحاد بر پایه آن و اجرای احکامش در سایه دولت خلافت است؛ آن‌گاه است که سلطه کافران بر مسلمانان به کلی برچیده خواهد شد و نصرت و یاری الله سبحانه و تعالی به اذن او همراه ما خواهد بود.



در این شماره می خوانید:

آیا جنگ به‌زودی پایان می‌یابد و توافق میان آمریکا و ایران حاصل خواهد شد?...۲

بحران سیاسی در سودان و افق‌های راه‌حل...۲۰

موج تظاهرات در جاکارتا و نشانه‌های ناراحتی از دولت پراوووو...۳۰

بریتانیا اختلافی اروپایی را برای تحریم دولت نتانیاهو رهبری می‌کند...۴

آیا سازمان همکاری شانگهای برای مقابله با اسلام بنیان نهاده شده است?...۴۰

چهارشنبه ۴ ربیع الثانی ۱۴۴۸ ه‍.ق، ۱۶ سپتامبر ۲۰۲۶ م، ۲۵ شهریور ۱۴۰۵ ش

پیشوایی که هرگز به پیروانش دروغ نمی‌گوید

شماره: ۶۱۷ تعداد صفحه: ۴

مقاله برگزیده

مرور آخرین تحولات

جنگ در یمن

مهندس شقیق خمیس – ولایت یمن

سرانجام غبار نبردها در کرانه باختری یمن در روز پنج‌شنبه ۱۰ سپتامبر جاری، با شکستی سنگین فرونشست؛ شکستی که همانا عقب‌نشینی نیروهای موسوم به «مقاومت ملی» به سرکردگی طارق محمد عبدالله صالح از شهر المخا به سوی جنوب در برابر حوثی‌ها بود. فریادرس‌های طارق صالح از عدن در دو تماس تلفنی جداگانه در روز جمعه ۴ سپتامبر جاری میان او از یک سو و شایع‌الزندان، نخست‌وزیر و رشاد العلیمی، رئیس شورای هشت‌نفره ریاست‌جمهوری از سوی دیگر، هیچ سودی نخبشید؛ آن‌گاه که حوثی‌ها در روز پنج‌شنبه ۳ سپتامبر هم‌زمان با درگیری‌ها در جبهه‌های الکدحه، مقبنه، البرح و الوازیع در غرب استان تعز، نیروهای او را با ده‌ها موشک بالستیک و پهپاد غافلگیر ساختند. حوثی‌ها در پی جدا کردن شهر المخا از تعز بودند و نیروهای تهاجمی آن توانستند در سایه اشتتکی و سردرگمی نیروهای وابسته به دولت یمن به سرکردگی طارق با وجود برتری تجهیزاتی و تسلیحاتی‌شان بر حوثی‌ها، در چندین نقطه پیشروی کنند و مواضع از دست رفته در میدان نبرد را بازپس گیرند؛ امری که عبدالقیب فتح، وزیر پیشین اداره محلی، با سخن گفتن از سقوط چندساعته برخی مواضع بدان اشاره کرد. این دو تماس تلفنی در نهایت به اعلام ورود نیروهای کمکی از یگان‌های «العمالقه» و «درع الوطن» به همراه حمدی شکر، فرمانده منطقه چهارم نظامی، به بخش‌هایی از ساحل غربی و غرب استان تعز در روز جمعه ۴ سپتامبر انجامید. اما به‌راستی چه رخ داد و چگونه واقع شد؟

حوثی‌ها در پی عقب‌نشینی‌های پیاپی نیروهای وابسته به دولت متشکل از «مقاومت ملی»، «العمالقه» و «درع الوطن» بمسرت بر مناطق چون الوازیع، البرح، مقبنه، الکدحه و یادگان خالد تسلط یافتند و به بستن گلوگاه شهر «المخا» و قطع پیوند آن با تعز، این بندر را از شمال و جنوب در محاصره سخت به دام انداختند؛ امری که پیامدهای خانمانه جاری در حیس و الخوخه هم‌جوار و موج ترورها در صفوف نیروهای طارق صالح را برملا ساخت. این وضعیت، ضربات سهمگین و نظم‌ور موشک‌های بالستیک و پهپادها را نیز به همراه داشت؛ حتماتی که انکار تاثیر آن‌ها از سوی طارق صالح، از کار فروپسنداش نگذشود. سرانجام طارق صالح در بمباد پنج‌شنبه ۳ سپتامبر، راهی جز آن ندید که نیروهایش را با مدور فرمانی ناگاهان مبنی بر عقب‌نشینی به سوی «ذوباب» غافلگیر کند و مواضع پسین را برای حوثی‌ها وانهد. بدین‌سان، در غیاب هرگونه مقاومت درخور اعتنا در شهر و حتی بدون کمترین پشتیبانی جگکنده‌های سعودی، حوثی‌ها گام به المخا نهادند و این شهر در سینی زبرین تسلیم آنان شد.

حوثی‌ها بر آنند تا خود را سازندگان این پیروزی در ساحل غربی جلوه دهند؛ چنان‌که محمدعلی حوثی می‌گوید: «در چارچوب تبیین موضع سیاسی و نظامی معنا، حوثی تاکید ورزید که نبرد معنا اقدام خودشیفته و کور نیست، بلکه در راستای اعمال فشار برای دستیابی به مطالبات اصلی از جمله برچیدن محاصره مالی و نظامی، پایان دادن به تحریم‌های هوایی و دریایی و توقف کامل عملیات‌های نظامی علیه یمن جریان دارد» (روزنامه‌الانوار، ۲۰۲۶/۹/۱۰).

عبدالعزيز بن جوتو نیز رویکردی مشابه در پیش گرفت.

آیا اکنون نوبت به بازمانده مارب و تعز رسیده است تا سیطره حوثی‌ها بر سراسر یمن شمالی کامل شود؟ و آیا آن موضع تند و آتشین رشاد العلیمی که عبدالقیب فتح، وزیر پیشین اداره محلی، در ۱۱ ژوئن گذشته در تشریح دیدگاهش برای گروندبرگ، فرستاده سازمان ملل، نقل کرد مبنی بر اینکه «صلح با بازپس‌گیری حاکمیت آغاز می‌شود نه تقسیم قدرت با حوثی‌ها»، نه نشانی از ایستادگی راستین، بلکه خاک پاشیدن در چشم ملت یمن بود تا افکار عمومی را در برابر عمل انجام‌شده تجزیه قرار داده و آنان را بر پای پذیرش تقسیم کشور با حوثی‌ها رام سازد؟

ادامه صفحه ۳۴



تتایاهو. نخست‌وزیر یهود، روز چهارشنبه ۲۰۲۶/۹/۹، در آستانه کارزار راحل دیپلماتیک پایبندیم و در جهت تحقق آن گام برمی‌داریم. او تاکید انتخابات کنست که برای اکثر آئینده برنامهریزی شده است، مقررانه و کرد سوریه مسیری مسدودانه را بر پایه حقوق بین‌الملل و منشور سازمان ملل با فرفروشی به برتری و گردن‌کشی خویش در منطقه جبل‌الشیخ واقع در ملل در پیش خواهد گرفت و از حقوق ملی خود با ابزارهای مشروع سیاسی ارشای اشغالی سوریه پدیدار گشت؛ وی در ویدیویی از همان نقطه در حالی که جلیقه ضدگلوله بر تن داشت، گفت: «ما اینک بر فراز قله جبل‌الشیخ ایستاده‌ایم و بر سراسر این منطقه، از جبل‌الشیخ تا رود یرموک و از آنجا تا دریای مدیترانه، تسلط کامل داریم؛ تسلطی بی‌چون‌وچرا و بی‌سابقه». توجه نماید و برای رهایی‌شان بکوشد. در همین حال، ابراهیم علی، متعهد شد که هرگز اجازه نخواهد داد «هیچ ارتش تروریستی جای پای خود در برابر تشدید مداوم تنش‌های منطقه‌ای روشن بوده است؛ چه اینکه کاش نیز که همراه او بود اظهار داشت: «ما از اینجا پیمانی قاطع و کاملاً شفاف به رئیس‌جمهور سوریه می‌فرستیم که در ۳۵ کیلومتری اینجا، در نخواهد بود.

کاخ خود در دمشق نشسته است؛ ما اینجا بر فراز جبل‌الشیخ و در منطقه امنیتی ایستاده‌ایم و از اینجا تکان نخواهیم خورد، و معنی شد که مداوم خال آن بر سر ایجاد سازوکاری جهت تبادل داده‌های اطلاعاتی، در پرتو حضور نیروهایش در سوریه با هدف «روایتی» با تهدیدهای برخاسته از تلاش‌های دو طرف برای دستیابی به توافقی امنیتی و گسترده‌تر، بر همگان سوی هرگونه عنصر جهادی» است. اشکرات خود، نظاران خاطرنشان ساخته‌اند که هدف بی‌واسطه، مانع‌تراشی در برابر گشت‌وگذار او در جبل‌الشیخ را با شدیدترین لحن محکوم کرده و این هرگونه تلاش جهت دستیابی به ترتیبات نوین امنیتی در منطقه و اقدام را «گامی تحریک‌آمیز و نقض آشکار حاکمیت سوریه. تمامیت ارضی آن و قوانین بین‌المللی» برشمرد و تاکید کرد که ادامه پیشرویها موقعیتی راهبردی همچون جبل‌الشیخ است و تحلیل‌گران تاکید ورزیده‌اند و تجاوزات نیروهای یهود در خاک سوریه، تنش‌آفرینی خطرناکی است که امنیت و ثبات منطقه را تهدید می‌کند. این وزارتخانه اشغالگران را مسئول پیاده‌های این اقدامات دانست و (طبق معمول همیشگی) از سازمان ملل، نهادهای بین‌المللی و قدرت‌های ارتکاز خواست تا بر مسئولیت‌های خویش در توقف این تجاوزات و بازگشت به توافق‌نامه آتش‌سوزی و جرایماتی، تلاشی برای جلب آرای رای‌دهندگان از رهگذر جلوه دادن جداسازی نیروها عمل کنند. از سوی دیگر شیبانی تصریح کرد: ما به گزین

ادامه صفحه ۳۴

خطاب به مسلمانان و ارتش‌های آنان: دست آمریکا را از سرزمین‌هایتان کوتاه کنید!

هر آن‌کس که جریان رویبادهای را در جهان پیگیری کند، می‌بیند که اخبار دست‌اندازی و نفوذ سهمگین آمریکا در سرزمین‌های اسلامی بر گزارش‌های شبکه‌ها و پایگاه‌های خبری سایه افکنده است؛ چه نفوذ نظامی آن و چه سلطه سیاسی‌اش؛ از ایران و میانجی‌گری‌های قطر و پاکستان گرفته، تا مذاکرات لبنان؛ از مداخلات آن در سوریه و پوشش دادن به تجاوزات رژیم صهیونیستی در آن سرزمین، تا یمن و نقش حاکمان آل‌سعود در آن؛ از سودان و جنگ‌افروزی دو مزدور آمریکا در آنجا، تا مصر و کارکرد آن در پرونده غزه؛ از پایگاه‌های نظامی آمریکا در اردن، عربستان، قطر، بحرین، کویت، امارات، عراق، سوریه و ترکیه، تا رفت‌وآمدهای فرستادگانش در این‌سو و آن‌سو؛ گذشته از اظهارات سفیر این کشور در رژیم صهیونیستی که گوئی با زبان خود یهود سخن می‌گوید و موارد دیگری از این دست که در این مجال نمی‌گنجد. در مقابل، بیانیه مطبوعاتی صادرشده از سوی دفتر رسانه‌های مرکزی حزب‌التحریر اعلام داشت: «ایمسلمانان شما را چه شده است؟ در حالی که دست‌نشاندهی و دنباله‌روی حاکمانان از آمریکا و دولت‌های غربی برما گشته و همچنین آشکار شده است که بازنگر واقعی در سرزمین‌هایتان کیست و به چشم خود دیده‌اید که چه کسی ثروت‌هایتان را به غارت می‌برد؛ چندان که دیگر چیزی نمانده است که نیازمند افشاگری باشد. این بیانیه همچنین خطاب به ارتش‌های مسلمانان تاکید کرد: آیا در برابر یکپارته‌های حاکمان فرومایه و دون‌پایه خویش خاموش خواهید نشست، در حالی که می‌بینید آنان در خدمت‌گزاری به آمریکا و اجرای فرامین آن از یک‌دیگر سبقت می‌گیرند و در چنگ‌اندازی و شکنجه بر سرزمین‌ها و درای‌هایتان دست بالا را دارند، در شرایطی که درمداخلات در قری سخت‌رو زگار می‌گذرانند؟ گذشته از این، حاکمانان از اقدامات و جنایات خود شرم نمی‌کنند، بلکه بدان‌ها فرفروشی و دهن‌کجی نیز می‌نمایند؛ پس تا کی خاموش خواهید ماند و هیچ حرکتی از خود نشان نمی‌دهید و به هیچ منکر اعتراف نمی‌کنید؟ این بیانیه مطبوعاتی در پایان خطاب به مسلمانان تصریح نمود: شما را از این واقعیت تلخ که ما می‌فرستد دوستی است و نه گزند به دشمن می‌رساند، هیچ راه رهایی نیست، مگر با برپایی دولت خلافت بر منهج نبوت؛ همان دولتی که الله سبحانه و تعالی به بندگان مومن و تلاشگر خود وعده داده و رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بدان‌ها شارت بخشیده است؛ همان دولتی که حزب‌التحریر پیشاهنگی که هرگز به اهل خود دروغ نمی‌گوید، برای برپایی آن می‌کوشد؛ پس برای اقامه آن در همکاری با این حزب پیش‌قدم شوید. که همانا عزت مدنا و آخرت و رضوان بزرگتر از سوی الله سبحانه و تعالی در آن نهفته است.

مارین لوپن، نامزد حزب «تجمع ملی» در انتخابات ریاست‌جمهوری فرانسه، پرونده ممنوعیت پوشش حجاب اسلامی در اماکن عمومی را درگیرا به کانون مباحثات سیاسی بازگرداند؛ آن‌گاه که متعهد شد در صورت رهایی‌به کاخ الیزه، لایحه‌ای قانونی مبنی بر جرم‌انگاری حجاب را به هم‌پرسی عمومی بگذارد؛ اقدامی که در بحبوحه مناقشات پیرامون مشروعیت قانون اساسی و امکان‌پذیری اجرای آن مطرح گشته است. لوپن در بستره ایکس اظهار داشت که از رهگذر یک هم‌پرسی، «قانونی جامع مبارزه با ایدئولوژی‌های اسلام‌گرایانه» را به شهروندان فرانسه عرضه خواهد کرد؛ طرحی دربردارنده تدابیری که آن‌ها را قاطعانه توصیف نمود و جرم‌انگاری پوشش حجاب اسلامی در فضاهای عمومی از جمله آن‌هاست. در پی این موضع‌گیری، مناقشات میان همگان بالا گرفت و جنجال فراوانی در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی میان موافقان و مخالفان درگرفت. در این میان، شبکه CNews نتایج یک نظرسنجی از سوی مؤسسه CSA را منتشر کرد که نشان می‌داد ۶۰ درصد از فرانسوی‌ها بر ایده منع حجاب در اماکن عمومی مهر تایید می‌زنند. در نقطه مقابل، در شبکه به شهرودان فرانسه عرضه نمود و پوششی به راه افتاد که در آن اینفلوئنسرهای فرانسوی به نشانه مخالفت با این طرح و دست‌اندازی آن به آزادی‌ها، حجاب بر سر کردند.

جناح راست افراطی از سال‌ها پیش مردم را علیه آنچه «تهاجم اسلامی» می‌نامد تحریک می‌کند و در نقطه‌های خویش حجاب را با افراط‌گرایی و نامنی پیوند می‌زند؛ جبرانی که جنب‌ا‌جانبی از علیه هر نمادی از اسلام به راه انداخته و مفاهیمی چون آزادی مذهبی، آزادی‌های فردی و منشور جهانی حقوق بشر را یکسره به دیوار کوبیده است. در همین زمینه، بیانیه مطبوعاتی بخش بانوان در دفتر رسانه‌ای مرکزی حزب‌التحریر اعلام کرد: شایان ذکر است که معضلات سیاسی، اقتصادی، بهداشتی و امنیتی گریبان‌گیر فرانسه در این سال‌ها، سخت‌ترین چالش‌هایی است که این کشور در تاریخ خود به چشم دیده است؛ با این همه، برنامه‌های انتخاباتی راست‌گرایان راه‌حلی‌هایی بنیادین برای این بحران‌ها ارائه نمی‌دهد، بلکه تمام توان خویش را در کارزار خستگی‌ناپذیر علیه هر آنچه به اسلام مربوط است به کار می‌گیرد؛ گاه به چنگ عبا می‌ورد، گاه مساجد و نهادهای را نشانه می‌گیرد و گاه حجاب مادرانی را هدف قرار می‌دهد که دانش‌آموزان را در اردوهای مدارس همراهی می‌کنند.

این بیانیه افزود: معضل ژرف و بنیادین آن است که راست افراطی با گفتمان حذقی و نژادپرستانه خود تا اندازه‌ای توانسته است بدر هراس را در دل بسیاری از مردم بگارد و از اسلام دیوی بسازد که در کمین ستاندن جان‌ها و پایمال ساختن آزادی‌ها نشسته است؛ علاوه بر آنکه رسانه‌ها از خریزات رفتن دیرینه در تحریب، وارونه‌نمایی، فریب‌کاری و پنهان‌زنی علیه اسلام و مسلمانان ایفا کرده‌اند؛ از همین‌رو در نظرسنجی یادشده آمده است که بخش اعظم حامیان ممنوعیت حجاب را کهپسانان تشکیل می‌دهند و جوانان تمایل کمتری به پذیرش این پیشنهاد نشان داده‌اند. چه اینکه اکثر قاطع نسل جوان در محیط‌های تحصیلی و کاری با مسلمانان زیسته‌اند و دریافته‌اند که رسانه‌ها چگونه زخادهای را بنزانی می‌کنند و روایت‌های دیگر و در بسیاری موارد متناقض منتشرشده در شبکه‌های اجتماعی را از نزدیک دنبال می‌کنند.

در ادامه این بیانیه آمده است: اعلام جنگ جناح راست علیه حجاب در فرانسه در این برهه زمانی ویژه، مانوری انتخاباتی برای درو کردن آراء، و ناوختن بر تارهای حساس احساسات عمومی پس از آگندن دل‌ها از ترس و دروغ است؛ و گزین پرونده‌های راستین سیاسی، اقتصادی و امنیتی، فوریت و ضرورت بسیار بیشتری برای ارائه راه‌حل‌ها و درمان‌های ریشاهی جهت روبروایی با چالش‌های سهمگین پیش‌روی دولت فرانسه دارند.

این بیانیه مطبوعاتی در فرجام کار تصریح کرد: با کمال تأسف، اسلام همواره دست‌انویزی خوارگاه ماند که افراط‌گرایان تکلانی و درماندگی تمدن خویش در حل بحران‌های پدرپری و توقف روند سراسیمه سقوطشان را بدان بیاورند؛ آنان پیوسته نیروی خود را در کارزارهایی بیرون از آژورگاه اصلی به هدر خواهند داد و در تمام می‌دان‌ها شکست‌خورگان بی‌چون‌وچرا خواهند بود.

ادامه صفحه ۳۴

آیا جنگ به زودی پایان می‌یابد و توافقی میان آمریکا و ایران حاصل خواهد شد؟

استاد اسعد منصور



حسین محبی، سخنگوی سپاه پاسداران ایران در تاریخ ۲۰۲۶/۹/۹ اظهار

داشت: «اگر آمریکا خواهان پایان دادن به این وضعیت است، باید در کنار توقف کامل جنگ، از تکرار تهدیدها دست بردارد، ارتش اسرائیل را از لبنان بیرون کشد، محاصره تحمیل‌شده بر یمن را پایان دهد، ۲۴ میلیارد دلار از دارایی‌های مسدودشده ایران را آزاد سازد و از هرگونه مداخله در توانمندی‌های هسته‌ای و موشکی کشور خودداری ورزد.»

این شروع در تهاجم‌های با ۱۴ بند گنجانده شده بود که میان رؤسای جمهور ایران و آمریکا در تاریخ ۲۰۲۶/۶/۱۸ به امضا رسید. بررسی موضوع توانمندی‌های هسته‌ای در بند شماره ۸ این تهاجم‌ها آمده است که در آن «ایران به کاهش غنی‌سازی، عدم دستیابی به سلاح هسته‌ای و نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بر این روند متعهد می‌گردد». همچنین در بند شماره ۱۲ تصریح شده است که «ایران و آمریکا بر سر ایجاد سازوکاری اجرایی برای نظارت بر اجرای موفقیت‌آمیز تهاجم‌ها به توافق می‌رسند.» گویی مخالفت سپاه پاسداران با تهاجم‌ها مشخصاً برخاسته از همین دو بند است؛ چراکه این امر به معنای مداخله آمریکا در ایران است و سبب می‌شود تا واشنگتن برای اجرای توافق همواره هماهنگی‌ها را در دست داشته باشد و با ارتباطی پیوسته، ایران را به کشور و وابسته و تابع بدل سازد. بدین ترتیب سپاه پاسداران استقلال را می‌جوید، در حالی که زبان حال سیاستمداران و دفاع سرخشان از تهاجم‌ها نشان می‌دهد که آنان بازگشت به جایگاه پیشین خویش به عنوان کشوری در مدار نفوذ آمریکا را می‌جویند.

از همین‌رو، روند امور بر پایه تشنه‌ها پیش نرفت و این یادداشت تهاجم آکنده از میدان‌های مین و مستعد تفسیر کونگون گردید. از یکسو آمریکا در تاریخ ۲۰۲۶/۶/۲۵ اعلام کرد که دارایی‌های مسدودشده ایران را به صورت نقدی پرداخت نخواهد کرد، بلکه این اموال «برای خرید دارنده‌ها سوپا، ذرت و گندم آمریکایی به سود ملت ایران» اختصاص خواهد یافت؛ امری که با مخالفت ایران روبه‌رو شد. در پی آن، آمریکا در تاریخ ۲۰۲۶/۶/۲۶ نخستین حملات خود را پس از اعضای تهاجم‌ها علیه مواضع ایران به اجرا گذاشت و سپاه پاسداران نیز با حملاتی علیه پایگاه‌های آمریکا در منطقه خلیج فارس، بدین سان حملات متقابل دو طرف کلید خورد و تاکنون متوقف نگشته است. با وجود آنکه هفت ۶ روزه برای دستیابی به توافق نهایی طبق مفاد تهاجم‌ها به پایان رسید، اما امکان تعدیل این پیش‌بینی شده بود و از آنجا که هیچ‌یک از دو طرف افغان آن را اعلام نکرده‌اند، این تهاجم‌ها همچنان پابرجا مانده است. آمریکا نیز اعلام کرده است که برای واداشتن ایران به تسلیم، هم‌زمان با مذاکره جهت دستیابی به توافق پایایی، از ابزار زور و محاصره اقتصادی بهره خواهد گرفت.

آمریکا تسلط بر تنگه هرمز را به مسله‌ای محوری بدل ساخته است تا چنین وانمود کند که به دستاوردی بزرگ دست یافته؛ چراکه توانسته است به هدف اصلی خود از آغاز جنگ یعنی تبدیل ایران به کشوری تابع و وابسته، جامعه عمل بپوشاند.

روزنامه وال‌استریت در تاریخ ۲۰۲۶/۹/۱۰ به نقل از منابع آگاه آمریکایی گزارش داد: «ایران از موشک‌های بالستیک پیشرفته‌ای بهره گرفته است که امکان مانور در حین پرواز و اصابت به اهداف متحرک را فراهم می‌سازد و وقت اصابت آن‌ها از نمونه‌های پیشین بالاتر است. چنین فرود هواپیما نظامی آمریکایی در پی حملاتی که پایگاه هوایی موق‌السلطی در اردن را هدف قرار داد دستاوردی بزرگ دست یافته؛ به گونه‌ای که ۹ هواپیما نشانه دچار خسارت شدند؛ هرچند آمریکا بیش از ۳۰ موشک پاتریوت برای رهگیری حملات ایران شلیک کرده بود. همچنین مشاوران ارشد ترامپ مخفیانه احتمال تداوم جنگ علیه ایران در تمام مدت باقی‌مانده از دوره ریاست‌جمهوری‌اش را مطرح ساخته‌اند.»

ترامپ نیز در تاریخ ۲۰۲۶/۹/۱۲ اعلام کرد: «بر این باور است که جنگ به احتمال زیاد پس از انتخابات میان‌دوره‌ای کنتره که برای نوامبر آینده برنامه‌ریزی شده، متوقف خواهد شد.»

این امر بدان معناست که ایران از توانمندی‌های لازم برای تداوم جنگ برخوردار است و آمریکا توانسته به هدف خویش دست یابد؛ هدفی که ترامپ امید داشت پیش از این انتخابات بدان برسد تا پیروزی بزرگی را برای حزب خود رقم زند. اما اکنون قادر به متوقف ساختن جنگ نیست و چسبنا رویارویی تا پایان دوره ریاست‌جمهوری‌اش به درازا بینجامد؛ چنان‌که وال‌استریت در ۲۰۲۶/۹/۱۰ یادآور شد: «مشاوران ارشد ترامپ مخفیانه احتمال تداوم جنگ علیه ایران در تمام مدت باقی‌مانده از دوره

نظرات سیاسی

بحران سیاسی در سودان و افق‌های راه‌حل

دکتر احمد عبد الفضیل

سودان از بحران سیاسی فلج‌کننده‌ای رنج می‌برد که پیشینه‌ای برای جلوگیری از تجربه کشور و رد هرگونه طرح برای تشکیل دولت‌های آن نمی‌توان یافت؛ بحرانی که روزبه‌روز وخیم‌تر می‌شود و سراسر موازی را خواستار شد. مخالفت بریتانیا با دولت موازی، در حقیقت مفاسل حکمیت، دولت و زیست عمومی را در هم می‌کوبد. پوند مخالفت با «دولت تأسیس» است که آمریکا آن را پدید آورده، سودان به روند سقوط بی‌وقفه خود در برابر اهرهای خارجی ادامه هم‌اکنون دارفور را در کنترل دارد و از نیروهای واکنش سریع داده، بدان‌جا که بهای هر دلار به ۷۸۰۰ پوند رسیده است و در شکل گرفته است؛ همان دولتی که قرار است پس از جدایی دارفور بر پی، نرخ تمامی کالاهای و خدمات سر به فلک کشیده، چنان‌که رئیس بر آن حکم راند؛ زیرا بریتانیا خواستار حکومتی غیرنظامی است که اتحادیه ناتوانان سودان تصریح کرد که قیمت هر کیسه آرد از ۷۸ به دست‌نشانده‌اش، حدودک نخست‌وزیر پیشین سودان را به قدرت ۱۰۸ پوند افزایش یافته و آنان آگاه شده‌اند بهای نان را افزایش بازگرداند.

داده و از وزن آن بکاهند. در نقطه مقابل می‌بینیم که آمریکا نقشه‌های خویش را برای تجربه در عرصه امنیتی، سودان شاهد زایش مداوم گروه‌ها و شبه‌نظامیان دارفور به پیش می‌برد؛ مسعد بولس پیشنهاد گسترش قطعنامه صادر است؛ روزنامه الکترونیکی «آر.ا» در شماره بیست‌و یکم خود ۱۵۹۱ ویژه تحریم تسلیحاتی سودان را مطرح کرده است؛ وی می‌آورد شد که شمار این گروه‌ها در آوریل گذشته به ۱۰۰ جنبش مسلحانه رسیده است که ۸۷ خود آن متعلق به دارفور و ۱۳ پیرامون اوضاع سودان در تاریخ ۲۰۲۶/۸/۲۴، قطعنامه قطع از جنبش وابسته به کُردان، شرق، نیل آبی و کوه‌های توبه هستند. سوی آمریکا اراده داد که بر چهار محور استوار است:

این پدیده پیامدهای امنیتی سنگینی بر جای نهاده، به‌گونه‌ای که در - گسترش دامنه تحریم تسلیحاتی به سراسر خاک سودان.

سایه این حضور نظامی افسارگسیخته، هیچ‌کس بر جان و مال خویش - تاکید دوباره بر اینکه برنده‌های هدایت‌پذیر از دور (پهپادها)

امین نیست؛ که واپسین نمونه آن، کشته‌شدن و غارت اموال یک و سامانه‌ها و فناوری‌های مرتبط با آن در شمول این تحریم قرار



پزشک زن در بازگشت شبانه از محل کارش در بخش خدمات پزشکی می‌گردد.

- درخواست از دبیرکل سازمان ملل برای افزایش شمار کارشناسان ازخمت زیربنایی همچون برق در بیشتر ساعات شبانه‌روز یکسره

قطع است؛ امری که مردم را به چارمندی‌های فردی کشانده تا برای تاب‌آوری در برابر گرمای سوزان و آفتاب داغ، به خرید پتل‌های خورشیدی جهت روشنایی و سرمایش روی آورند؛ زیرا مردم پس از دستور کامل اداریس نخست‌وزیر، به وزارت دارایی، بانک مرکزی سودان و وزارت رفاه (اجتماعی) می‌برند بر تسهیل پرداخت تسهیلات ارزاقیمت به شهروندان جهت خرید مضافات خورشیدی، از بازگشت برق به شبکه سراسری تأمیند شده‌اند؛ دستوری که معانیی جز کشاندن پای مردم به بانک‌ها برای دریافت وام‌های ربوی جهت حل مضل ضرر ندارد. درباره سایر خدمات مانند آب، بهداشت و درمان و آموزش نیز پسند می‌کنیم به اظهارات مامون حمیده، وزیر پیشین بهداشت، که این هفته به مالاریا دچار شد و به بیمارستان «علیا» رفت، اما درمان‌های ویژه مالاریا سودی نبخشید و دچار عوارض شدید شد و در نهایت فاش ساخت که علت این امر تقلبی بودن داروهای جعلی است؛ حال آیا می‌توان گفت دولتی در سودان بر سر کار است یا بر سر سودان بازی‌گرند؛ چه اینکه آمریکا این جنگ را در سودان شعلهور ساخت هنگامی که بریتانیا پس از سرنگونی بشیر مزدرور آمریکا، عرصه را بر آن تنگ کرد، بریتانیا فرصتی برای کنار زدن نظامیان دست‌نشانده آمریکا یافت و مهره‌های غیرنظامی خود را وارد قدرت کرد، تا آنکه برهان علیه آنان دست به کودتا زد و برکنارشلی ساخت؛ اما بریتانیا با اهرم‌های سیاسی چون راهپیمایی‌ها و تظاهرات به اعمال فشار بر آنان ادامه داد تا سرانجام «توافق چارچوب» به امضا رسید؛ توافقی که نزدیک بود نظامیان را کنار زده و آنان را به خودکش‌ها بازگرداند. همین‌اگر آمریکا را ناگزیر به برافروختن این جنگ کرد؛ رویدادی که به فرار، آوارگی یا کشته‌شدن همگان انجامید. با این همه، آتش نزاع فروکش نکرد، از این‌رو بریتانیا در ۲۰۲۵/۴/۱۵ کفرانسی لندن را با مشارکت فرانسه، آلمان و اتحادیه‌های اروپا و آفریقا برگزار نمود؛ بیانیه پایانی این نشست، پشتیبانی از گذار به دولتی غیرنظامی و برگزیده مردم سودان،

خلافت تنها راه راهی برای مسلمانان و تمامیت بشریت است

تلاش آمریکا برای برپایی یلویی منتهای در این جغرافیا، به آن الله سبحانه‌وتعالی کوششی تافرجام برای تمدید حیات این ابرقدرت رو به افستار است؛ چراکه واشنگتن سال‌هاست در واپسین نفس‌های خویش به سر می‌برد. از همین روست که دست‌بازند که اگرچه در غفلت امت باطلی منطقه دست‌سوی می‌زنند؛ درست همان‌گونه که در جنایات غزه نیز ظناً تیات به سوی آن و رژیم صهیونیستی افکندند و به‌پروا، خشم و غیرت امت اسلامی را به سخره گرفتند. این هواره شیوه و قوی مزدوران و دیپلمات‌ها بوده است؛ آنان پدید نیامده‌اند مگر برای پاسداری از چنگ‌اندازی غرب کافر استعمارگر بر سرزمین‌های اسلامی و تبدیل خون مسلمانان و ثروت‌هایشان به هیزم این سلطه‌گری تا از بیداری آنان، بازگشت به عزت دیرینه‌شان و ازسریگری زیست اسلامی از رهگذر برپایی خلافت راشده بر منج نوت جلوگیری کنند. آمریکا بدانند که خورشید غروب کرده و تاریک‌ن‌اش سراسر در واپسین نفس‌های خویش به سر می‌برد. این روزگار بدانند که اگرچه در غفلت امت اسلام توانسته‌اند ارتش‌های مسلمانان را به فرماندهانی خاتان، مزدور و واداده، همگ آن‌ان که پروردگار بر ایشان رم آورده، بسپارند. اما بدانند که به حمد الله سبحانه‌وتعالی در میان ارتش‌های مسلمانان، سربازان مخلص و بهشتی‌های حضور دارند که در پی بریدن ظلم‌های‌ها و ریسمان‌های کسبی هستند که شما را بر مسند نشانده‌اند. پس ای لشکریان بهترین امتی که برای بشریت برانگیخته شده است؛ اراده خود را استوار سازید و نصرت و توان خویش را به حزب‌التحریر بسپارید؛ پیشگاهی که هرگز به اهل خود دروغ نمی‌گوید، تا به این سده قطعی و محنتی که مسلمانان از آن آرز و کینه و فاسوت غرب کافر سوخته‌اند پایان بخشد؛ نصرت خویش را به او ارزانی دارید که به الله سبحانه‌وتعالی سوگند، عزت دنیا و آخرت در آن نهفته است و در چنین میدانی باید مشتاقان بر یکدیگر سبقت گیرند.

موج تظاهرات در جاکارتا و نشانه‌های ناراضیتی از

دولت پرابووو

استاد عبدالله اسوار



موج تظاهرات در جاکارتا در طول ماه اوت تا اوایل سپتامبر ۲۰۲۴ شدت گرفت. به عنوان نمونه، در ۱۸ اوت، شماری از تشکلهای دانشجویی تجمعی را در میدان هتل اندونزی زیر شعار «دستیابی به استقلال» برپا ساختند و در آن بر مسئله بهای کالاهای اساسی و سوخت، ریشکندی فساد و بازنگری در برخی سیاست‌های دولتی انگشت گذاشتند. در ژوئن گذشته نیز اقدامات مشابهی با برانگیختن اعتراضات علیه سیاست‌های گوناگون دولت از جمله نابرابری اقتصادی، فساد، کاهش ارزش برابری روپیه، افزایش قیمت سوخت، بار سنگین مالیات‌ها بر دوش بنگاه‌های کوچک و متوسط و مخالفت با طرح‌های غذای رایگان و تعاونی‌های روستایی «قرمز و سفید» به وقوع پیوست.

موج بعدی اعتراضات در ۲۷ اوت در پیرامون ساختمان مجلس نمایندگان رخ داد؛ حرکتی که گروه‌های متعددی با مطالبات گوناگون را در بر می‌گرفت: گروهی مسئله مبارزه با فساد را پیش کشیده و تصویب فوری لایحه مصادره اموال نامشروع را خواستار شدند، در حالی که گروهی دیگر بر مشکلات اقتصادی و نحوه اجرای برنامه‌های دولتی متمرکز بودند. این حرکت مسالمت‌آمیز پس از آنکه شماری از معترضان در اطراف پارلمان اندونزی دست به تحصن زدند، به تأارمی کشیده شد و نیروهای امنیتی دست به اقداماتی علیه کسانی زدند که آنان را درگیر در خشونت و تخریب می‌دانستند.

یکی از برجسته‌ترین موضوعات، باور عمومی به ناکارآمدی در ریشکندی فساد و فقدان شفافیت در اداره ثروت‌های ملی است. مطالبه تصویب فوری قانون مصادره اموال نیز از مهم‌ترین خواسته‌ها در این خیزش به شمار می‌رود؛ چراکه مردم خواستار آنند که دولت ابزاری قانونی و نیرومندتر برای بازپس‌گیری اموال حاصل از جرایم فساد در اختیار داشته باشد.

افزون بر پرونده فساد، بحران‌های اقتصادی نیز به دغدغه‌های اصلی جامعه در دوره حاکمیت کنونی بدل گشته است؛ مسائلی همچون گرانی سبام‌آور مایحتاج بنیادین زندگی، کاهش توان خرید، سطح دستمزدها، اشتغال و بار سنگین معیشتی که بستر ساز ناآرامی‌هاست. شرایط زمانی وخیم‌تر می‌گردد که پیامدهای جنگ میان ایران و آمریکا با افزایش نرخ سوخت غیرایرانه‌ای و جهش بهای پلاستیک، بر این بحران‌ها سایه می‌افکند. کاهش ارزش برابری روپیه در برابر دلار نیز بار مضاعفی را بر بودجه کشور تحمیل می‌کند؛ به‌ویژه آنکه اندونزی کشوری به شدت وابسته به استقراض و واردات کالاهای گوناگون از خارج است.

دولت اندونزی به جای تمرکز بر چاره‌اندیشی برای بحران‌های راهبردی، سیاست ریاضتی و تخصیص منابع را در جهت تأمین مالی وعده تبلیغاتی رئیس‌جمهور یعنی طرح غذای رایگان به کار گرفته است؛ برنامه‌ای با هزینه‌ای میان ۴۰۰ میلیارد تا ۱ تریلیون روپیه در روز، که از دیدگاه بسیاری ائتلاف منابع عمومی عموماً است. همچنین پرونده‌هایی از فساد پیرامون این طرح فاش گشته که خسارتی در حدود ۱۰۰۵ تریلیون روپیه برآورد می‌شود. افزون بر این، بسیاری از پیمانکاران این برنامه از حلقه‌های نزدیک به کانون‌های قدرت اعم از پلیس، ارتش یا احزاب هم‌پیمان دولت برگزیده می‌شوند و سودهای هنگفتی به جیب می‌زنند که برای هر پیمانکار تا ۶ میلیون روپیه روزانه و حدود ۱۰۸ میلیارد روپیه در سال تخمین زده می‌شود.

از سوی دیگر در بخش آموزش، اندونزی همچنان با معضلات پرشماری همچون وضعیت معیشتی معلمان، زیرساخت‌های ناگافی مدارس و دشواری دسترسی به راهه در مناطق دورافتاده جهت رسیدن به مراکز آموزشی دست‌به‌گریبان است؛ همین امر جامعه و معترضان را بر آن داشته است تا بازنگری در طرح غذای رایگان را مطالبه کنند. مسئله گسترش نفوذ ارتش و افزایش رویکردهای استبدادی نیز از موضوعات بنیادین در اعتراضات گوناگون دانشجویی به شمار می‌رود. از میان اقدامات و تجمعات متعددی که در اندونزی شکل گرفت،

حضور نظامی به عنوان یک پیروزی تاریخی است؛ تا با بهره‌گیری از اهرم

هراس‌افکنی و گسترش‌هایی جغرافیایی، دست به تبلیغات زودهنگام

انتخاباتی در بحبوحه زلزله جایگاه سیاسی داخلی خود بزنند.

در همین حال، جعجون ساعر وزیر امور خارجه یهود، بار دیگر مخالفت قاطع

رژیم خود را با حضور پایگاه‌های نظامی ترکیه در سوریه اعلام کرد و آن را

«خط قرمز» پرشمرد.

اما باراک، فرستاده آمریکا که به پایدی و توطئه‌چینی علیه اسلام و انقلاب

شام شهره است، تلاش‌های شبیانی را ستود و او را فردی «کوشا و جدی

در فرونشاندن تنش در منطقه‌ای که هیچ خطایی در آن بخشودنی نیست»

توصیف کرد و از وجود شریکی که درمی‌یابد خویشتن‌داری و گفتگو نیز از

مظاهر قدرت است، ابراز خرسندی سوریه را

هر آن‌کس که واقعیت سیاسی سوریه را دنبال کند درمی‌یابد که لاف‌زنی

و گردن‌کشی تئاترپناه و وزیر جنگش از فراز خاک سوریه امر تازه‌ای نیست،

بلکه واقعیتی مکرر است که با هیچ موضع عزتمندانه‌ای هم‌شان این

رویداد سهمگین پاسخ داده نمی‌شود. مضروب‌علیهم شبانمریز در جنوب

سوریه عریضه می‌شدند، جوان می‌دهند، می‌کشند، می‌ریانند، ویران

می‌سازند و بازجویی می‌کنند؛ گویی زمین خودشان و این دیار خانه آنان

است، چراکه والائرن پاسخ چیزی جز محکومیت، ابراز انزجار و شکایت

خفتبار نزد نظام بین‌الملل، شریک جرم رژیم در عریضه‌کشی و جنایتش،

نیست. این متکبر هرگز یارای چنین رجزخوانی و تکبری را نداشت، مگر از

آن‌رو که مردان اسلام بر اربکه قدرت حضور ندارند؛ همان دلاورانی که با او

با همان متفق عزتمندانه سخن بگویند: «ای پسر زنگ‌فار، پاسخ تو آن است

که به چشم خویش خواهی دید؛ به آنچه به گوش بشنوی!» او با مشاهدی

این مواضع آنکده از زبونی، ذلت و وادادگی است که این‌گونه مغرور در

تعیین باجها و نایبها لاف می‌زند. او را از آن گلیم خویش فراتر

نهاد و حد واقع‌اش را جز بندگان برگزیده و مخلص الله سبحانه‌وتعالی به

او نشان نخواهند داد؛ همانانی که در میان خانه‌هایشان به جوانان درآیند و

همیشه او و تبهکارانش را در هم کویند و به خاک مذلت نشاندند.

همچنین هر کس در مواضع متولیان دوره انتقالی سوریه پیرامون این

عریضه‌کشی‌ها و جنایات درنگ کند، آن‌ها را واکشش‌هایی ملال‌آور، تکراری

و بی‌اثر در برابر هر گردن‌کشی و پشروی مهبونیت‌ها خواهد یافت؛

سخنانی که در پی هر تجاوز از مرز انتاس و گدایی شرم‌آور از دشمن

فراتر نمی‌رود. رخصت الله سبحانه‌وتعالی بر خلیفه هارون الرشید و آن

موضع ماندگارش در تاریخ باد که نشان داد چگونه باید با کسانی روبرو

و هر کس در قق موعن به هیچ عهد، خوشامدنی و پیمانی پایبند نیستند،

بارها گفته‌ایم و باز می‌گوییم: رژیم مهبونیتستی قومی اهل بهتان و

نیرنگدانه که جز به منافع خویش و تثبیت بقای موقتشان نمی‌اندیشند؛

بقایی که خود نیز به ناپایداری آن واقفند. اقهارات پیاپی آنان پیرامون

خطر وجودی تهجیدکننده ریششان، چیزی جز هراس از توفان سهمگین

امت نیست که به‌زودی آنان و پیرانشان را برای همیشه ریشمکن خواهد

ادامه : مرور آخرین تحولات جنگ در یمن

دیربود یوز که نیروهای مقاومت ملی شکل‌گرفته در سال ۱۷۰۱۲۰۲۰، در برابر شورای امنیت سخن گفت و اظهار داشت: «مطالبات یعنی‌های شورای امنیت از طریق مذاکرات حل‌وفصل گردد؛ من پیش از این تشدید تنش‌ها، پیشنهادهایی ارائه کردم که گزینه‌ای ممکن را فراهم ساخت و به ارتباط با دولت یمن و انصار الله ادامه خواهیم داد تا راه‌های ممکن برای پیشرفت را مشخص سازیم و گزینه‌های برای خروج از مسیر تنش‌افزینی گشوده بماند؛ من با همکاری نزدیک با فروج ابراهیم‌بنی‌مطهقه که حضورشان برای مهار این وضعیت گریزناپذیر است، عمل خواهم کرد.» وی افزود:

«ما آنچه در نهایت مورد مذاکره و توافق قرار می‌گیرد، تنها به خود یعنی‌های بازمی‌گردد، و ادامه داد: «سلا‌هاست که دفتر من با گروه‌های گوناگونی یعنی به رایتزنی می‌پردازد؛ این امر در کنار نقش اقتصادی سازمان ملل در تأمین ۳۳ میلیارد دلار در خلال سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۴ میلیاردی صورت می‌گیرد؛ پس آیا اهل ایمان در شکاش این نزاع بین‌المللی بر سر سزمین و ثروت‌هایشان، همچنان هان‌نیتسه و حیرت‌زده نظر دارند؟ خواهند

ماند؟ بی‌تردید تلاش در کنار حزب‌التحریر برای برپایی دومین دولت خلافت راشده، فریضه‌ای آشکار و ضرورتی ناگزیر گشته است. رسول‌الله صلی‌اللعلیه‌وآله‌وسلم فرمودند: «ثُمَّ تَكُونُ خُلَافَةُ عَلِيٍّ مَنَاجِ النُّبُوَّةِ».

رژیم قزاقستان به جنگ خود علیه اسلام ادامه می‌دهد

دفتر رسانه‌ای کمیته امنیت ملی قزاقستان گزارش داد: «طی بازه زمانی ژوئن تا اوت ۲۰۲۶، در پرونده‌های کیفری مورد بررسی از سوی کمیته امنیت ملی، ۱۹ نفر به اتهام ارتکاب جرایم تروریستی و افراترکیارانه به احکام حبس با مدت‌زمان‌های متفاوت محکوم شدند».

در همین دوره زمانی، در شهرهای آستانه، آلماتی و چیمکند و همچنین در استان‌های آق‌مولا، آکتوبه، آلماتی، ژامبیل، مانغیستاو و ترکستان، ۲۸ نفر در پی بازرس‌های امنیتی بازداشت شده‌اند. تعلیق، رژیم توکانیف که چندی پیش جایگزین حکومت تراریف شد، به راهبرد پیشین را در مبارزه با اسلام و پیروان آن دنبال می‌کند. ریشه این امر در آن است که رژیم‌های به قدرت رسیده در کشورهای آسیای میانه از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، اساساً با هدف جلوگیری از بازگشت اسلام به این سرزمین‌ها پایه‌ریزی شدند.

دقیقاً به همین سبب، ادامه فشارها بر مردم برای بازگشت آنان از پایبندی به احکام اسلام، در این کشورها از بالاترین سطوح در جهان به شمار می‌رود. ممنوعیت گذاشتن محاسن و رعایت حجب، مانع از حضور جوانان در مساجد، منع ادای فریضه حج پیش از رسیدن به کهنسالی و جلوگیری از برپایی آیین‌های دینی، همگی اقداماتی است که با هدف مهار مسلمانان از بازگشت به دین خویش صورت می‌گیرد.

بریتانیا ائتلافی اروپایی را برای تحریم دولت تانیاهو رهبری می‌کند

استاد احمد الخطوانی

دهه‌ها بود که بمردنر پیش می‌آمد بریتانیا رهبری گروهی از کشورهای اروپایی را برای تحمیل تحریم‌های علنی علیه رژیم صهیونیستی بر عهده گیرد، حتی اگر این تحریم‌ها نامدین بوده باشد؛ چه اینکه در سنت سیاسی بریتانیا رویارویی آشکار با رژیم یهود با چنین مراحتی سابقه نداشته است و لندن عموماً رفتارهای ناخوشایند این رژیم را با ابزارها و روش‌های دیپلماتیک مهار می‌کرد و هیچ‌گونه برخورد علنی میان آنان پدیدار نمی‌گشت.

اما این بار به نظر می‌رسد رفتارهای دولت تانیاهو به مرز از افراط‌گرایی رسیده که دیگر برای تحمیل تحریم‌های علنی علیه رژیم صهیونیستی بر عهده گیرد، حتی اگر این تحریم‌ها نامدین بوده باشد؛ چه اینکه در سنت سیاسی بریتانیا رویارویی آشکار با رژیم یهود با چنین مراحتی سابقه نداشته است و لندن عموماً رفتارهای ناخوشایند این رژیم را با ابزارها و روش‌های دیپلماتیک مهار می‌کرد و هیچ‌گونه برخورد علنی میان آنان پدیدار نمی‌گشت.

اما این بار به نظر می‌رسد رفتارهای دولت تانیاهو به مرز از افراط‌گرایی رسیده که دیگر برای تحمیل تحریم‌های علنی علیه رژیم صهیونیستی بر عهده گیرد، حتی اگر این تحریم‌ها نامدین بوده باشد؛ چه اینکه در سنت سیاسی بریتانیا رویارویی آشکار با رژیم یهود با چنین مراحتی سابقه نداشته است و لندن عموماً رفتارهای ناخوشایند این رژیم را با ابزارها و روش‌های دیپلماتیک مهار می‌کرد و هیچ‌گونه برخورد علنی میان آنان پدیدار نمی‌گشت.

آتیچ بریتانیا را از لاک آرامش و دیپلماسی محافظه‌کارانه بیرون کشید، آغاز اجرای پروژه موسوم به (E) از سوی دولت تانیاهو بود؛ طرحی که دولت‌های پیشین رژیم صهیونیستی به سبب فشارهای بریتانیا و اروپا از پیاده‌سازی آن پرهیز می‌کردند، اما این بار دولت تانیاهو با پشتیبانی عناصر افراطی خویش دست به جسارت زد و برای نخستین بار گام‌های عملی در اجرای این طرح برداشت؛ به‌طوری‌که مناقصه‌ای برای ساخت ۱۲۰۰ واحد مسکونی در منطقه (E) اعلام کرد. این اقدام خشم بریتانیا را برانگیخت و آن را واداشت تا تحریم‌های علنی علیه رژیم یهود وضع نماید و ۱۲ کشور اروپایی از جمله فرانسه، اسپانیا، دانمارک، سوئد، نروژ، فنلاند، ایرلند، ایسلند، پرتغال و لهستان را به همراه کانادا

با خود هم‌صدا سازد؛ تحریم‌هایی که مواردی چون ممنوعیت واردات کالاهای شهرک‌ها و اعمال مجازات علیه شرکت‌ها و افرادی که در تأمین مالی ساخت شهرک‌ها دست دارند را در بر می‌گیرد. این دولت‌ها میان تحریم‌های اعمال‌شده و ارائه مناقصه ساخت پیوند برقرار ساختند، افزون بر برشمردن دلایل دیگری که اهمیت کمتر از پروژه (E) داشتند، همچون تشدید خشونت شهرکنشینان علیه مردم فلسطین و پشتیبانی مستقیم دولت تانیاهو از پاکسازی قومی صورت‌گرفته به دست شهرکنشینان.

این تحریم‌ها هرچند سبک به نظر رسند، از بار نامدین بسیار بالایی برخوردارند و پیام‌هایی جدی به رژیم صهیونیستی مخابره می‌کنند مبنی بر اینکه از مرزهای پذیرفته‌شده فراتر نرود و از اقدامات مربوط به تکثیر کردن کرانه باختری و تبدیل آن به مناطقی جداافتاده که برپایی ساختاری فلسطینی و به هم پیوسته را ناممکن می‌سازد، دست بکشد؛ تا بدین‌وسیله ایده چند فلسطینیان در برپایی کشور مستقل یا آنچه را «اجرای راه‌حل دو دولتی» می‌نامند زنده نگه دارد و بستری برای تشکیل منطقه‌ای خودگردان که کمترین حدود از حق تعیین سرنوشت را برای ملت فلسطین بازنماید کند، حفظ شود.

بریتانیا احن خود را علیه رژیم یهود به شیوه‌ای چشمگیر نتندرت ساخته است؛ چنان‌که اد میلیند، وزیر امور خارجه آن، اظهار داشت: «دولت اسرائیل چشمان خود را بر پاکسازی قومی

میزبانی تونس از مانور «فینیکس اکسپرس ۲۰۲۶»؛ حلقه‌ای تازه در تثبیت استیگی



وزارت دفاع تونس اعلام کرد که این کشور از ۶ تا ۱۸ سپتامبر جاری، میزبان مانور دریایی چندجانبه «فینیکس اکسپرس ۲۰۲۶» به همکاری فرماندهی نظامی آمریکا در آفریقا (آفریکام) و با مشارکت نزدیک به ۴۰۰ نظامی و ناظر به نمایندگی از ۱۳ کشور خواهد بود.

این میزبانی حدود یک ماه پس از گشایش مناقشه آمریکایی جهت توسعه پایگاه نظامی ایالات متحده در

شهر بنزرت موسوم به «مرکز برتری دریایی» که اسکله‌ای برای شناورهای جنگی و بندی برای بالگردها در بر دارد و ساخت آن از سال ۲۰۲۴ آغاز شده، صورت می‌گیرد.

در برابر این رویداد، دفتر رسانه‌ای حزب‌التحریر در ولایت تونس بر نکت زیر تاکید ورزید:

نخست، آمریکا کشوری متخاصم و دشمن اسلام و مسلمانان است؛ جلیات آن در عراق و افغانستان بر همگان آشکار است و پشتیبانی واشنگتن از رژیم صهیونیستی در تجاوز علیه مسلمانان در غزه، کرانه باختری، لبنان، سوریه، یمن و ایران واقعیتی عیان و انکارناپذیر است؛ بنابراین همکاری نظامی با آن شرعاً حرام است، زیرا همکاری با دشمن در زمان جنگ به شمار می‌رود و الله سبحانه‌وتعالی می‌فرماید: «وَتَاوَنُوا عَلَىٰ آلِهِمْ وَتَتَّوَفَّوْا عَلَيْهِم بِالْإِثْمِ وَالْفُجُوْرِ» و «و در نیکی‌کاری و پرهمیزکاری با یکدیگر همکاری کنید، و در گناه و تعدی دستیار هم نشوید».

دوم، این رفتارهای نظامی که زیر شعارهایی چون «مبارزه با جرایم و مهاجرت غیرقانونی» و «تأمین امنیت مرزهای دریایی و بازرسی کشتی‌ها» برگزار می‌شود، هرگز در خدمت منافع استانی و مردم تونس نیست؛ بلکه در اصل با هدف اقدام ارتش‌های یومی در سامانه امنیتی و نظامی آمریکا و تبدیل آنان به ابزاری برای پاسداری از منافع واشنگتن در حوزه دریای مدیترانه و شمال آفریقا صورت می‌پذیرد و آنچه در تنگه هرمز جریان دارد گواهی زنده بر این حقیقت است. سوم، امت اسلامی با چالش‌های سهمگینی روبروست که نیازمند یکپارچه‌سازی توانمندی‌ها و ارتش‌های آن در زیر پرچم اسلام در سایه خلافت راشده بر منبج نبوت است؛ تا بتواند در برابر دشمنی که در کمین این امت و سرزمین‌های آن نشسته است ایستدگی کند. الله سبحانه‌وتعالی به ما وعده پیروزی و تمکین داده است اگر او یاری رسانیم، حکومتش را برپا داریم و شریعتش را حاکم گردانیم؛ چنان‌که می‌فرماید: «وَالْيَوْمَنُزِّلَ اللَّهُ مِنَ الْفَوْقِ غَظِيرٌ».

آیا سازمان همکاری شانگهای برای مقابله با اسلام بنیان نهاده شده است؟

استاد عقیل بک اسحاقوف



در یکم سپتامبر، اجلاس دوره‌ای سازمان همکاری شانگهای در شهر بیشکک برگزار شد؛ نشست که دستور کار اصلی آن به بررسی افق‌های توسعه این سازمان در مرحله پیش‌رو اختصاص یافت. در پایان این اجلاس، به مناسبت بیست‌وپنجمین سالگرد آغاز مسیر این نهاد، بیانیه بیشکک به همراه ۲۸ سند با هدف تقویت همکاری‌های چندجانبه و ارتقای سازوکارهای اجرایی آن به امضا رسید.

از آنجا که این رویداد کانون توجه افکار عمومی جهان قرار گرفت، واکاوی حقیقت اهداف و واقعیت این سازمان و خوانش آن از دیدگاه اسلامی ضرورتی انکارناپذیر است.

این سازمان مسیر خود را در سال ۱۹۹۶ با نام «پنج‌گانه شانگهای» و با مشارکت چین، روسیه، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان آغاز کرد؛ کشورهایی که توافق‌نامه‌ای را برای کاهش نیروهای مسلح در مناطق مرزی و همکاری در زمینه مبارزه با تروریسم امضا نمودند. در سال ۲۰۰۱، ازبکستان نیز بدان پیوست تا نام سازمان به عنوان کنونی‌اش درگرون گردد.

با راه‌اندازی ابتکار «گرم‌بند و جاده» از سوی شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین، در سال ۲۰۱۳، یکن بهره‌گیری کارآمد از این سازمان را در خدمت طرح‌های خویش کلید زد. از سال ۲۰۱۵، روند گسترش این ائتلاف با پیوستن هند، پاکستان، ایران و بلاروس شتاب گرفت، تا آنکه شمار اعضای آن در حال حاضر به ده کشور رسید.

کشورهای عضو این سازمان نزدیک به ۳۵ درصد از تولید ناخالص داخلی جهان (معادل ۲۰ تریلیون دلار) را در اختیار دارند، گستره ارضی آن‌ها دوسوم پهنه اوراسیا را در بر می‌گیرد و رزمایش‌های نظامی مشترک را تقریباً سالانه به اجرا می‌گذارند.

این اجلاس در بیشکک در شرایطی برگزار شد که جایگاه چین رو به تقویت نهاده است، حال آنکه روسیه به سبب جنگ در اوکراین و در بحبوحه شرایط جنگی علیه ایران رو به ضعف می‌رود. از زمان حمله ایالات متحده و رژیم صهیونیستی به ایران در ۲۸ فوریه سال جاری، سازمان همکاری شانگهای نتوانسته است فراتر از صدور یک بیانیه رسمی گامی بردارد؛ امری که به ناتوانی کشورهای عضو در اتخاذ موضعی یکپارچه بازمی‌گردد.

به عنوان نمونه، هند پیوندهای بسیار نزدیکی با غرب و رژیم یهود دارد؛ در حالی که پاکستان با ابیای نقش میانی در بحران ایران، سخت در تلاش است تا منافع آمریکا را محقق سازد و از دیگر سو، روسیه، چین و کشورهای آسیای میانه هدفی جز حفظ مناسبات تجاری خویش با ایران در سر ندارند.

مواضع کشورها عضو در قبال بحران اوکراین نیز دچار ناهمگونی است؛ چه اینکه اکثریت آنان خواستار پاسداری از تمامیت ارضی و راحل سالم‌آمیز هستند؛ امری که در درخواست نارتندر مودی، نخست‌وزیر هند، از پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، در حاشیه نشست‌های این سازمان آشکار گشت. علاوه بر این، درگیری‌های مرزی پدیداری میان پاکستان و هند از یک‌سو و میان چین و هند از سوی دیگر پیوسته پدیدار می‌شود.

با این همه، خطری مشترک وجود دارد که سراسر دولت‌های عضو سازمان را گرد هم می‌آورد و آن، امت اسلامی رو به رشد و دهمین دولت خاستار راشده بر منبج نبوت است که این امت برای برپایی آن مجاهدت می‌کند. از همین منظر، این دولت‌ها در درون مرزهای خویش نبردی بی‌امان علیه یکپارچگی مسلمانان و درک امیل آنان از اسلام به راه انداخته‌اند. به عنوان نمونه، چین منطقه ترکستان شرقی را به زندانی روبات برای میلیون‌ها مسلمان اوغور، قزاق و قرقیز بدل ساخته است. در آنجا مردمانی که نماز می‌گزاردند و محاسن می‌گذارند تحت پیگرد قرار می‌گیرند، و زنان مسلمان‌ها که روزه می‌دارند و حجاب بر سر می‌کنند در اردوگاه‌های بازپرسی محبوس می‌شوند.

در بیهوده تشدید اسلام‌ستیزی در غرب، حضور مسلمانان بزرگ‌ترین موهبت برای جوامع آنان است

در پی کارزار موفقیت‌آمیز حزب‌التحریر در دامنارک در طول ماه اوت که دانش‌آموزان مسلمان مدارس متوسطه دامنارک را برای ترغیب به پایبندی به هویت اسلامی‌شان هدف قرار داده بود، پس از آنکه به سبب انجام شعار بنیادین اسلامی همچون نماز، روزه ماه رمضان و پوشش حجاب آماج انگزنی سیاسی قرار گرفته بودند، سیاستمدارانی از طیف‌های گوناگون پارلمانی واکنش‌هایی اسلام‌ستیزانه از خود نشان دادند. مورتن بودسکوف، وزیر همگرایی، با قاطعیت تصریح کرد که «ارتش‌های افراط‌گرایانه اسلامی در دامنارک جایی ندارد» و «ترویج این ارزش‌ها امری خطرناک است»؛ هم‌زمان با پیامدهای سیاسی و جنجال‌های گسترده در رسانه‌ها، می‌لگراییان و فعالان جناح راست افراطی راهپیمایی عمومی در کپنهاگ به راه انداختند؛ رویدادی که در آن شماری از شرکت‌کنندگان آشکارا خواستار ممنوعیت تشدد و در برابر دیدگان رهگذاران مسلم تازی دادند.

تعلیق هیولای راست افراطی که چهره زشت خویش را در غرب نمایان ساخته، دست‌پخت خود آنان است و این دولت‌های اروپایی هستند که مسئولیت‌پذیر بکنه و تنش را که با وسواس کاشته‌اند بر دوش می‌کشند. در همین حال، مسلمانان ساکن غرب به‌ویژه جوانان با شمار رو به فزونی به آغوش اسلام روی می‌آورند؛ آیینی که آن را پیام رحمت و جایگزینی کارآمد در برابر ایدئولوژی انسان‌ستیز و تباهگری یافته‌اند که از پس نقاب فروریخته تمدن غرب خود را نشان می‌دهد.

مشروط بر آنکه مسلمانان به هویت و ارزش‌های اسلامی خویش چنگ زنند و اسلام را به عنوان پیمای جهانی با آگاهی، اقتدار و حکمت بر دوش کشند، حضور جوامع مسلمان در اروپا بزرگ‌ترین پیشکش برای جامعه‌ها و ملت‌های اروپایی خواهد بود؛ ملت‌هایی که دولت‌هایشان با فریبکاری و کینه‌پزوری، آنان را از بحرانی به بحران دیگر می‌کشانند.